خبر

طلا به کف قیمت دو هفته‌ای سقوط کرد

قیمت طلا در معاملات روز دوشنبه بازار جهانی تحت تأثیر چشم‌انداز نرخ بهره و افزایش قیمت نفت، کاهش یافت و به پایین‌ترین حد خود در دو هفته گذشته رسید. به گزارش ایسنا، قیمت هر اونس طلا برای تحویل فوری پس از ثبت اندکی افزایش در معاملات ابتدایی روز جاری، در ادامه با ۰.۴ درصد کاهش، به چهار هزار و ۴۳۶ دلار و ۵۷ سنت رسید. قیمت هر اونس طلا در بازار معاملات آتی آمریکا با یک درصد کاهش، به چهار هزار و ۴۸۶ دلار و ۱۹ سنت رسید. قیمت طلا روز جمعه ۳.۲ درصد کاهش یافت که بزرگ‌ترین افت روزانه آن از اوایل ماه ژوئن محسوب بود. این کاهش پس از آن رخ داد که «کوین وارش»، رئیس بانک مرکزی آمریکا، اعلام کرد فدرال‌رزرو برای بازگرداندن تورم به هدف دودرصدی خود، باید اقدامات بیشتری انجام دهد.

یادداشت

تورم و ننه‌جون؛
دست غریبه‌ای در یک جیب شاهدی در جیب دیگر

ادامه از صفحه اول

از منظر ریاضی محض، این محاسبه درباره درصد رشد خود نرخ تورم درست است، اما یک حقیقت ساده را نادیده می‌گیرد: شهروندان با «رشد نرخ تورم» خرید نمی‌کنند؛ این «خود قیمت‌ها» هستند که قدرت خرید را تعیین می‌کنند. رابرت شیلر، اقتصاددان برنده نوبل، در پژوهش‌های خود نشان داده است که بیزاری مردم از تورم صرفا به دلیل افت قدرت خرید نیست؛ تورم برای جامعه تداعی‌کننده بی‌ثباتی و استثمار است. به همین دلیل بود که در همان مناظره سال ۱۳۸۸، مهدی کروبی پاسخ را از درصدها به زندگی روزمره کشاند و با بیان اینکه «ننه‌جونِ من هم گرانی گوشت را می‌فهمد»، نشان داد که تقلیل‌دادن تورم به یک رقابت آماری، تجربه زیسته مردم را تغییر نمی‌دهد. امروز اما ۱۷ سال گذشته است و آن «ننه‌جون» برای اثبات تجربه خود دیگر حتی نیازی به حافظه ندارد. اقتصاد دیجیتال، ناخواسته یک بایگانی بی‌رحم از تغییر قیمت‌ها در تلفن‌های همراه ساخته است. کافی است او یا یکی از اعضای خانواده به تاریخچه خریدهای اینترنتی، فاکتورهای دیجیتال سوپرمارکتی یا سفارش‌های آنلاین نگاهی بیندازد تا قیمت پیشین کالاها را با تاریخ دقیق آن مشاهده کند. اگرچه علم آمار برای سیاست‌گذاری حیاتی است، اما رسالت اعداد، توضیح واقعیت است، نه انکار تجربه زیسته شهروندان. امروز دیگر نمی‌توان شکاف عمیق جیب مردم را با استناد به درصدهای دست‌چین‌شده پر کرد. در عصر شفافیت بی‌دریغ داده‌ها، تاریخ و مبلغ پرداخت‌شده بلندتر از هر توجیه‌نامه رسمی سخن می‌گویند. اگر امروز مسئولی بخواهد با پنهان‌شدن پشت واژگانی همچون «مدیریت شتاب تورم» و «کاهش رشد تورم»، یا با سرایت‌دادن ادبیات نظامی به اقتصاد و «قرارگاه‌سازی» برای مهار قیمت‌ها، کُندشدن سرعت گرانی را به‌عنوان بهبود معیشت جا بزند، باید بداند که پاسخ جامعه همان کلام ساده سال ۱۳۸۸ است، با یک تفاوت کوچک؛ ننه‌جون هنوز هم گرانی را می‌فهمد، فقط این بار برای اثبات آن حتی به حافظه‌اش هم نیازی ندارد؛ رسید خرید قبلی، بی‌صدا در گوشی داخل جیبش ثبت شده است.

روباه یا خارپشت؟

ادامه از صفحه اول

۳. در همین روزها اما در فضای سیاسی و درون ساختار قدرت کشورمان، رابطه با جهان غرب و آمریکا همچنان مهم‌ترین سؤال و نوعی تابوست. مدیرمسئول کیهان اخیرا در مطلبی خطاب به رئیس مجلس، او را از نزدیکی با غرب‌گرایان بر حذر داشته و اینکه «جناب ایشان بر مواضع انقلابی خود تأکید و تصریح بیشتری داشته باشند تا راه سوءاستفاده و برداشت‌های غرض‌ورزانه بسته بماند» (کیهان- ۱۴۰۵/۶/۳). هشداری که به فاصله یکی، دو روز با پاسخ رئیس مجلس مواجه می‌شود و ضمن سپاسگزاری از خیرخواهی نویسنده مطلب، می‌نویسد: «مذاکره در نگاه اینجانب، نه ارزش ذاتی دارد و نه تابو است؛ نه مطلقا خیر است و نه مطلقا شر. مذاکره هنگامی معنا می‌یابد که ابزار پیشبرد منافع ملی، احقاق حقوق ملت، رفع ظلم و تثبیت مقاومت باشد» (قالیباف- ۱۴۰۵/۶/۵). ولی نصر در آخرین پاراگراف کتاب خود با ذکر عبارتی از جان لوئیس گلدیس، تاریخ‌نگار، می‌نویسد که یک کشور می‌تواند در تدوین راهبرد مانند روباه یا خارپشت رفتار کند: «روباه خیلی چیزها می‌داند؛ اما خارپشت فقط یک چیز خیلی مهم را می‌داند». او آینده ایران را بسته به نحوه پاسخ به این پرسش می‌داند: «آیا آن انعطاف‌ها (برجام، عادی‌سازی روابط با عربستان و...) باز تکرار می‌شوند یا خیر؟». به عبارت دیگر آیا نظر و خواست بالاترین مقام اجرائی کشور در تأکید بر کارآمدی و نه ارزش‌های ظاهری و ایدئولوژیک در اداره اقتصاد کشور و تأکید رئیس مجلس بر عمل‌گرایی در سیاست خارجی، نشانه‌های تغییر از سیاست‌های خارپشتی به انعطاف‌پذیری یک روباه است یا خیر؟ به نظر برای ماندن در جهان امروز چاره‌ای جز این نیست که روباه باشیم و امنیت را با توسعه اقتصادی و این دو را به حقوق شهروندی و رضایت اجتماعی گره بزنیم و ایرانی متعلق به همه ایرانیان فارغ از هر قوم و قبیله و آیین و زبان و... بسازیم که بدون «ملت»بودن و «کشور»بودن هیچ پیشرفت و توسعه‌ای واقع نمی‌شود.

حسن خادم در دفتر نخست‌وزیری

مهدی مکی‌نژاد
عضو هیئت‌علمی فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران

حسن خادم، نویسنده و رمان‌نویس برجسته، پرکار و باهوش اما کمترشناخته‌شده‌ای است. او قریب به ۲۵۰ کتاب و داستان کوتاه نوشته اما بدون سروصدا و هیاهو. در زمان حیات پربارش، هیچ‌وقت ادعایی نداشت. ترجیح می‌داد در سکوت و خلوت به نویسندگی، تخیل و نوشتن بپردازد. عاشق نوشتن بود و دنیای خاص خودش را داشت. در نوشته‌هایش، مرز بین رؤیا، خواب و بیداری حس نمی‌شد. به قول خودش، «جواب‌هایم را یا در بیداری یا در خواب پیدا می‌کنم».

علاقه ایشان به داستان به‌گونه‌ای بود که ۲۴ ساعت فکر می‌کرد، می‌اندیشید و اتفاقات روزمره را به‌گونه‌ای عجیب به ماورای گذشته‌ها پیوند زده و سوژه‌هایش را ساخت و پرداخت می‌کرد. سبک او ترکیبی از رئالیسم جادویی با عناصر خیال‌انگیز و وهم‌آلود بود. چرخه مرگ و حیات برایش اهمیتی ویژه داشت و در اغلب داستان‌هایش به‌گونه‌ای به این مسئله می‌پرداخت. در لایه‌های زیرین داستان‌ها به مسائل اجتماعی، مذهبی و انسانی می‌پرداخت. او نویسنده‌ای بود که با گوشت و پوست و استخوان، واقعیت‌های جامعه را در کوچه و خیابان درک کرده بود. هر وقت می‌دیدمش، پر از ایده بود. حتی سه روز قبل از مرگ، نگران کتاب‌ها و اوراق چاپ‌نشده‌اش بود. چقدر زود این مرگ نابهنگام طومار زندگی‌اش را پیچید و ناخواسته، اسیر همان چیزی شد که همیشه از آن واهمه داشت.

شکاریم یکسر همه پیش مرگ/ سری زیر تاج و سری زیر ترگ

اولین بار او را در دفتر نخست‌وزیری در ساختمان شماره پنج نهاد ریاست‌جمهوری در خیابان پاستور دیدم. مردی بلندبالا، لاغراندام اما خوش‌رو و کم‌حرف. طی سالیان رفاقت و دیدارهای گاه و بیگاه و آشنایی با کتاب‌ها و داستان‌هایش، برایم این سؤال پیش آمده بود که چطور نویسنده‌ای با این قلم و تخیل قوی، امور دفتری این نهاد را انجام می‌دهد؟ خودش به این سؤال جواب داد و گفت: «من اینجا راحتم، آرامش دارم و کسی به اندازه مهندس موسوی من را درک نمی‌کند». البته این انس و الفت سابقه قبلی داشته است. خادم در دهه ۶۰ و حدود ۴۰ سال پیش، پایش به دفتر روزنامه جمهوری باز شد. در نخستین دیدارش مهندس موسوی از او پرسیده بود چه‌کاره‌اید؟ می‌گوید کتاب‌نویسم. یعنی چه؟ یعنی داستان می‌نویسم. سردبیر روزنامه می‌گوید چند کتاب بیاور و در دیدار دوم پی به ظرفیت‌ها و قابلیت‌هایش برده و در بخش فرهنگی روزنامه مشغول فعالیت شد. با رفتن مهندس به وزارت خارجه، عرصه بر خادم تنگ شد. او با مراجعه به وزارتخانه، تقاضای همکاری داد اما مهندس گفته بود اینجا اسیر کارمندی می‌شوید و برای شما که یک نویسنده توانا هستید مناسب نیست. ما در عرصه داستان ضعیف هستیم و شما در همان روزنامه بمانید بهتر و مؤثرتر می‌توانید به این حوزه ادبیات کمک کنید.

طی این ۴۰ سال با همه فراز و نشیب‌هایش، از دفتر روزنامه و حزب جمهوری اسلامی تا دفتر نخست‌وزیری، همواره نه به‌عنوان یک کارمند، بلکه به‌عنوان یک دوست و رفیق مورد حمایت مهندس بود و با همه سختی‌ها و گرفتاری‌های شخصی، دست از نوشتن و گفتن حق برنداشت و حق رفاقت و مردانگی را تا لحظه مرگش به جا آورد. فضای ذهنی و دغدغه‌های خادم با آن روح لطیف و حساسش، به‌گونه‌ای بود که نمی‌توانست با هرکسی کار کند. در آن فضا و کنار کار دفتر، او فعالیت‌های مشترکی هم با مهندس تعریف می‌کرد و با ذوق پیگیر آن می‌شد؛ خواندن کتاب و یادگیری زبان‌های دیگر به‌ویژه فرانسه که خود چنان ادامه‌اش داد که دیگر متن‌ها را بدون نیاز به مترجم می‌خواند و متونی پیچیده و ادبیانه را ترجمه می‌کرد.

حسن خادم یک زندگی شرافتمندانه و عادی را انتخاب کرد. هرگز از موقعیتی که داشت سوءاستفاده نکرد. خودش نقل می‌کرد برای تعمیر منزلم نیاز به ۱۵۰ هزار تومان پول داشتم. صد هزار تومان از صندوق قرض‌الحسنه شهید رجایی وام گرفتم و به مهندس موسوی گفتم ما که از صبح تا شب اینجا کار می‌کنیم، به صندوق بگویید ۵۰ هزار تومان دیگر به من قرض بدهند. مهندس فرمودند نمی‌توانم و شما با دیگران هیچ فرقی ندارید. خادم فضای آرام و محیط صادقانه نخست‌وزیری را به هرجای دیگری ترجیح می‌داد و در کنار همه این سختی‌ها،

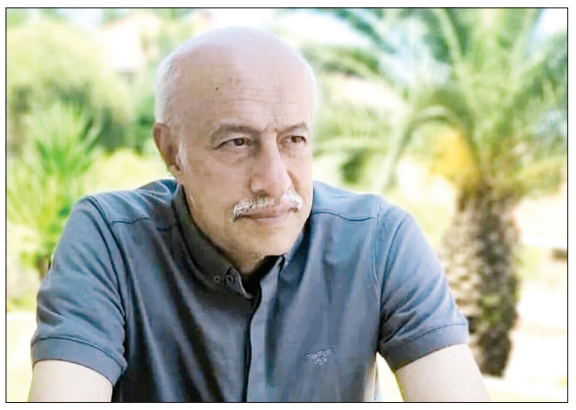

دغدغه‌اش فقط نوشتن بود. مثل هر نویسنده دیگری در چاپ کتاب‌هایش مشکلات عدیده‌ای اعم از مالی و سانسور داشت. این اواخر به دلیل هزینه‌های سرسام‌آور نشر، فقط تعداد محدودی از کتاب‌هایش را با هزینه شخصی چاپ می‌کرد. در حاشیه‌نویسی آخرین کتاب اهدایی‌اش، به این مهم اشاره کرده است. حتی پیشاپیش گفته این کتابش (همه‌جا من بودم) مجوز چاپ نمی‌گیرد، چون به موضوع تناسخ و مسائلی مانند «عدالت خداوندی» پرداخته است.

این نویسنده تاکنون بیش از ۱۸۳ داستان کوتاه منتشر کرده و حدود ۵۰ تا ۶۰ داستان آماده انتشار دارد. از مجموع ۴۸ کتاب نوشته شده، ۲۷ کتابش چاپ شده است. یکی از کتاب‌های متفاوتش، فرهنگ فرانسه و فارسی در ۷۰۰ صفحه است. آثار چاپ‌شده دیگرش مثل طاعون زمین، خنجر برهنه، غار آسمان، اقیانوس آرام و آب تلخ بسیار جذاب و خواندنی هستند. رمان آب تلخ می‌تواند همتای آثار صادق هدایت باشد. تنها کتابی که به سفارش تألیف کردند، کتاب چهارجلدی پابرهنه‌هاست؛ رمانی بلند که زندگی شهید رجایی را روایت می‌کند. جالب اینجاست که اسم کتاب را میرحسین پیشنهاد دادند. پاره‌ای از آثارش به زبان‌های دیگر ترجمه شده‌اند، ازجمله کتاب باغ‌های مرمر که به فرانسه ترجمه شده است.

داستان کتاب سوسک پرنده جالب است. خادم از استاد خسروجردی نقاش می‌خواهد داستان را بخواند و براساس محتوای آن، طرح جلد بزنند. خسروجردی بدون خواندن کتاب طرحی می‌زنند و هنگام چاپ، طرح زیر دستگاه مچاله می‌شود. همان طرح مچاله‌شده را به نویسنده ارائه می‌دهد. خادم می‌گوید طرح جلد باید یک سوسک داشته باشد و خسروجردی قبول نمی‌کند. در همین حین، باد پاییزی می‌وزد و در را باز می‌کند. به همراه برگ و خاشاک، یک سوسک روی طرح جلد می‌نشیند و با این اتفاق طرح جلد این کتاب کامل می‌شود. مهندس موسوی کتاب «سوسک پرنده» را با آثار «کافکا» مقایسه می‌کرد. داستان هیچ نویسنده‌ای ازجمله حسن خادم هرگز تمام نمی‌شود. داستان‌های او بخشی از حافظه جمعی ایران‌اند که به رودخانه فرهنگ جاری شدند.

یادش بخیر و روحش در آرامش باشد. در یکی از همین آخرین دیدارها به ایشان گفتم جناب خادم، داستان‌هایتان کمی تلخ و سیاه هستند و مرگ جزء لاینفک نوشته‌هایتان است. در جواب فرمودند: «گاهی سیاهی وجودمان را فرا می‌گیرد و این به رفتار و اعمال ما برمی‌گردد و به‌هیچ‌عنوان سیاه‌بین نیستم. به‌کارگیری قدرت تخیل در داستان‌هایم نیز از چارچوب خاصی برخوردار است و هرگز از تخیل بی‌حدومرز و بدون ساختاری عقلانی دفاع نمی‌کنم. حتی از تخیل هم باید بتوان دفاع کرد. من فقط اعمال و رفتار آدمی را به صورت داستان ارائه می‌دهم که اغلب به سیاهی و تیرگی می‌زند، اما خودم چنین نگاهی ندارم».

سه تجربه آمریکا و یک پرسش بزرگ

چه زمانی تخاصم جای خود را به دیپلماسی می‌دهد؟

سیدپارسا علوی
روزنامه‌نگار

جنگ را می‌توان با تصمیم سیاسی آغاز کرد، اما پایان آن معمولا محصول یک تصمیم واحد نیست. آغاز جنگ در اختیار فرماندهان است؛ پایان آن در گرو تعریف یک «نظم پس از جنگ». مسئله اصلی در هر منازعه‌ای نه‌فقط این است که چه کسی می‌تواند بیشتر ضربه بزند، بلکه این است که چه کسی می‌داند جنگ را کجا باید متوقف کند. از این منظر، سه تجربه آمریکا در افغانستان، عراق و لیبی، پیش از ورود به منازعه مستقیم با ایران، واجد یک درس مشترک‌اند: فاصله میان موفقیت نظامی و دستاورد سیاسی بسیار بیشتر از چیزی است که در محاسبات اولیه جنگ به نظر می‌رسد.

در افغانستان، واشینگتن توانست طالبان را از قدرت کنار بزند، اما نتوانست مسئله طالبان را حل کند. دو دهه بعد، همان گروهی که هدف جنگ قرار گرفته بود، به یکی از طرف‌های اصلی مذاکره برای خروج آمریکا تبدیل شد. معنای این تجربه روشن است: حذف یک بازیگر از میدان، لزوما حذف مسئله نیست.

در عراق، سرعت پیروزی نظامی حتی بیشتر بود. بغداد سقوط کرد و حکومت صدام حسین از میان رفت؛ اما مسئله اصلی از همان لحظه آغاز شد: چه نظمی باید جایگزین نظم پیشین شود؟ تجربه عراق نشان داد که سرنگونی یک حکومت، ساده‌تر از ساختن مشروعیت سیاسی پس از آن است.

لیبی نیز نسخه‌ای فشرده‌تر از همین مسئله بود. مداخله نظامی به سقوط قذافی انجامید، اما خلأ قدرت و فقدان یک ترتیبات سیاسی پایدار، بحران را به مرحله‌ای تازه منتقل کرد. در لیبی به وضوح دیده شد که می‌توان یک حکومت را سرنگون کرد، بدون آنکه بتوان نظم سیاسی جایگزین آن را ساخت.

این سه تجربه، البته قابل تعمیم مکانیکی به ایران نیستند. ایران نه افغانستان است، نه عراق و نه لیبی؛ از نظر جغرافیا، جمعیت، ساختار دولت، ظرفیت نظامی، سابقه تاریخی و جایگاه منطقه‌ای، پرونده‌ای متفاوت دارد. اما وجه مشترک این سه جنگ همچنان برای امروز ایران مهم است: قدرت نظامی، ابزار تغییر موازنه است، نه لزوما ابزار تولید نظم سیاسی.

اینجا پرسش اصلی درباره جنگ با ایران شکل می‌گیرد؛ اگر هدف از فشار و عملیات نظامی، کاهش یک ظرفیت مشخص است، نقطه پایان کجاست؟ اگر هدف تغییر رفتار سیاسی است، معیار تحقق آن چیست؟ و اگر هدف تغییر ساختار سیاسی باشد، مهم‌ترین پرسش نه چگونگی تغییر، بلکه «روز بعد» است. جنگی که هدف پایان آن تعریف نشده باشد، به تدریج منطق خود را تولید می‌کند. هر حمله، پاسخی می‌طلبد و هر پاسخ، حمله بعدی را توجیه می‌کند. در این وضعیت، حتی پیروزی‌های تاکتیکی نیز می‌توانند به شکست راهبردی منجر شوند؛ زیرا طرفین به جای نزدیک‌شدن به یک وضعیت سیاسی مطلوب، در چرخه‌ای از بازدارندگی، انتقام و فرسایش گرفتار می‌شوند. از همین‌جاست که دیپلماسی اهمیت پیدا می‌کند.

دیپلماسی در پایان جنگ، آلترناتیو قدرت نظامی نیست؛ ترجمه قدرت نظامی به یک نتیجه سیاسی پایدار است. مذاکره زمانی آغاز نمی‌شود که اختلاف‌ها تمام شده‌اند؛ برعکس، مذاکره دقیقا زمانی ضروری است که اختلاف‌ها باقی مانده‌اند اما ادامه جنگ دیگر قادر به حل آنها نیست. این شاید مهم‌ترین درسی باشد که از افغانستان، عراق و لیبی می‌توان گرفت.

آمریکا در هر سه پرونده توانست هزینه سنگینی به طرف مقابل تحمیل کند، اما مسئله اصلی در نهایت به میدان سیاست بازگشت. جنگ توانست موازنه را تغییر دهد، اما نتوانست به‌تنهایی قواعد رابطه جدید را تعریف کند.

در مورد ایران، یک تفاوت مهم دیگر نیز وجود دارد: برخلاف جنگ‌های پیشین آمریکا، طرف مقابل یک دولت مستقر و دارای ظرفیت بالای تداوم منازعه است. بنابراین تصور اینکه بتوان با واردکردن یک ضربه تعیین‌کننده، پرونده را بست، با واقعیت‌های پیچیده سیاست ایران و منطقه سازگار نیست. به همین دلیل، پرسش راهبردی امروز نباید صرفا این باشد که «چه کسی برنده جنگ است؟». پرسش مهم‌تر این است که «پیروزی قرار است به چه وضعیت سیاسی‌ای منجر شود؟». اگر پاسخ روشنی برای این پرسش وجود نداشته باشد، حتی موفقیت نظامی نیز می‌تواند صرفا مقدمه مرحله بعدی منازعه باشد. در سیاست خارجی، هنر قدرت فقط توانایی اعمال زور نیست؛ توانایی تشخیص لحظه‌ای است که زور دیگر بازده سیاسی ندارد. خط پایان جنگ، الزاما جایی نیست که آخرین موشک شلیک می‌شود؛ خط پایان جایی است که دو طرف به این جمع‌بندی می‌رسند که ادامه تخاصم، چیزی بیش از هزینه تولید نمی‌کند.

آن نقطه، شکست دیپلماسی نیست؛ آغاز آن است. و شاید مهم‌ترین پرسش امروز برای تهران و واشینگتن همین باشد: آیا پیش از آنکه جنگ راه خروج را از بین ببرد، می‌توان برای پایان آن یک راه سیاسی ساخت؟

جدول ۵۳۹۵ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- غذای رقیق- نرم‌افزار نقشه‌کشی- واحد پول گواتمالا ۲- پایکوبی و دست‌افشانی صوفیان- مشاور- نوعی خاک ۳- صبحانه‌نخورده- ویژگی‌های شخصیتی و فرهنگی فرد- مرطوب ۴- خلیفه خداوند بر روی زمین- فضای ذهنی- ضمیری انگلیسی ۵- ماده‌ای در ورزش دوومیدانی- لشکر- سازه‌ای برای حصارکشی ۶- صورت- جنگ و پیکار- انجمن بین‌المللی حمل‌ونقل هوایی ۷- کافی- بنایی مقدس در فرهنگ زرتشتی- درخشان و تابان ۸- سرکش و نافرمان- برانگیختگی درونی- از درجات قدیم ارتش ایران ۹- آکنده- راهرو باریک و دراز- ضمیر غایب ۱۰- فدراسیون جهانی کشتی- ترکیب آب با یکی از مصالح ساختمانی- نام ۱۱- مقابل فرع- بیماری کم‌خونی- راز و نیاز ۱۲- قلیل- نمایی از یک ساختمان- یاغی ۱۳- ازدواج- از انواع خطوط شش‌گانه اسلامی- ایرانی- کلرید آمونیوم ۱۴- غذایی از گوشت ران گوساله- حبل‌الورید- استانی در سوریه ۱۵- مناسب استفاده روزمره- شهری در استان فارس- ضمیر مؤنث عربی

عمودی:

۱- ورزشی برفی- اجرای هم‌زمان چند نت موسیقی ۲- ضمیر جمع- جمع مکسر جسم- شمشیر تیز ۳- ایما- بی‌خبر و ناآگاه- ضربه‌ای با پا ۴- توجه و دقت نظر- از طرح‌های شناخته‌شده فرش دستباف ایرانی- از گیاهان آپارتمانی زیبا ۵- نمک اسیداستیک- دلتنگی ۶- طرف- جاوید و پایدار- هرج و مرج ۷- روحانی یهودی- زشت و ناپسند- نوعی بادام پوست‌نازک ۸- چو بیرون رود فرشته درآید- مجموع تعداد پروتون‌ها و نوترون‌ها در هسته یک اتم- تأیید خودمانی ۹- خدای خدایان در اساطیر یونانی- ترسناک- از صنایع دستی ظریف ۱۰- برشته‌شده و سوخاری- پشیمانی- دیدنی فوتبال ۱۱- نمایش غم‌انگیز- آلبومی با آواز ایرج بسطامی ۱۲- درنگ- سپاسگزاری- هدایت‌کردن ۱۳- جراحت- کننده کاری- نیاکان ۱۴- آزمون- آگاه و مطلع- بسیار شکمو ۱۵- دایره‌المعارف فرانسوی- از دروس دوره ابتدایی

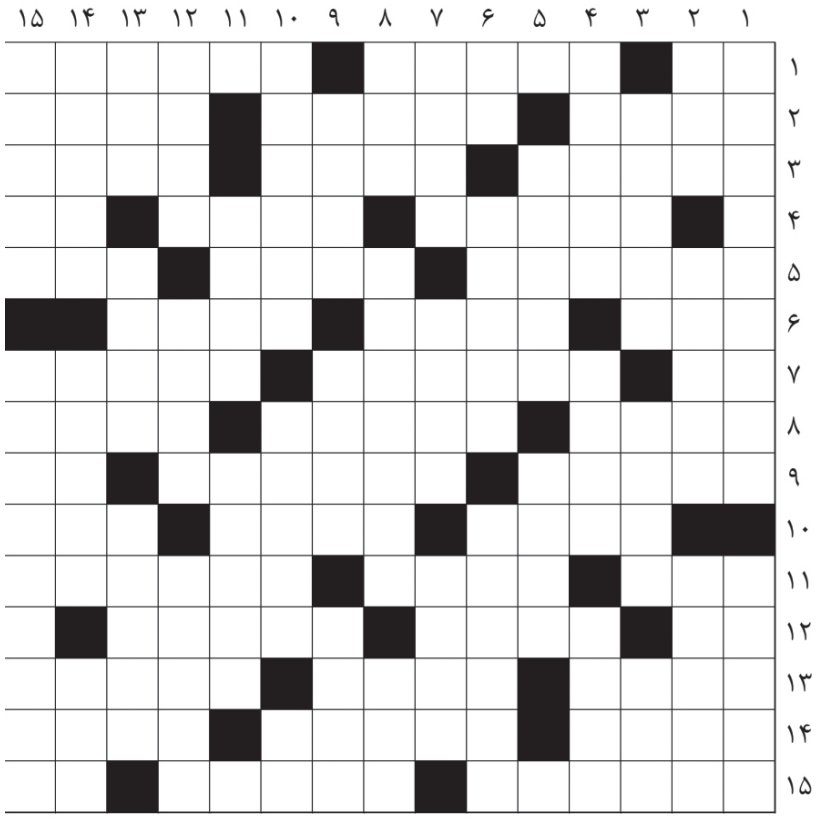

حل سودوکو ۴۳۹۰

۱	۳	۷	۸	۴	۹	۵	۶	۲
۲	۹	۶	۵	۳	۱	۷	۴	۸
۴	۸	۵	۲	۷	۶	۳	۱	۹
۶	۵	۲	۱	۹	۷	۴	۸	۳
۸	۱	۳	۴	۶	۵	۲	۹	۷
۹	۷	۴	۳	۲	۸	۱	۵	۶
۳	۲	۸	۹	۱	۴	۶	۷	۵
۵	۶	۱	۷	۸	۲	۹	۳	۴
۷	۴	۹	۶	۵	۳	۸	۲	۱

۳	۹	۵	۸	۶	۲	۷	۱	۴
۸	۴	۶	۱	۷	۹	۵	۲	۳
۲	۱	۷	۴	۵	۳	۹	۸	۶
۵	۷	۴	۲	۹	۶	۸	۳	۱
۱	۳	۲	۵	۸	۷	۶	۴	۹
۶	۸	۹	۳	۱	۴	۲	۷	۵
۷	۵	۱	۹	۳	۸	۴	۶	۲
۹	۲	۸	۶	۴	۱	۳	۵	۷
۴	۶	۳	۷	۲	۵	۱	۹	۸

حل جدول ۵۳۹۴

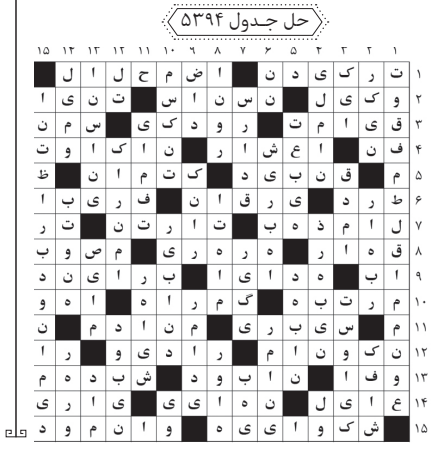

سودوکو سخت ۴۳۹۱

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۶								
	۵	۹			۳	۷		
	۳			۵		۱	۴	
۵	۹			۱	۶			
			۵		۷			
			۸	۴			۲	۵
	۱	۵		۸			۳	
		۴	۳			۸	۹	
								۲

سودوکو ساده ۴۳۹۱

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

	۷				۸	۹		۶
			۶	۷				
۶	۲				۹	۵	۸	۷
	۴					۷	۶	
۳								۲
	۹	۷					۵	
۲	۵	۸	۹				۷	۳
				۵	۲			
۴		۱	۷				۹	